

نقش ترتیب نزول در تفسیر تربیتی قرآن

دکتر عبدالکریم بهجت‌پور

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

چکیده

هدف اساسی قرآن سیر دادن انسان از ظلمت‌های جهل و نقص به سوی کمال علم و نور است و این یک عمل تربیتی است. که قرآن به تدریج انجام داده است. قرآن طی بیست و سه سال به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد، ولی مصحف موجود بر اساس ترتیب نزول سامان نیافته است، پس برای کشف روش تربیتی قرآن و نظام تربیتی قرآن و اسلام، لازم است نزول تدریجی قرآن بر اساس نقل‌های تاریخی مورد کاوش دقیق قرار گیرد تا نظام تربیتی قرآن کشف و بر مصادیق جدید در دوران بعدی تطبیق شود.

واژه‌های اصلی: قرآن، تربیت، نزول و تفسیر.

مقدمه

رویکرد تربیتی به مباحث قرآنی تابع ظرفیت این کتاب آسمانی در توجه به مسائل تربیتی است. در این مقاله می‌خواهیم روشن کنیم که قرآن نه تنها به موضوعات تربیتی اهتمام دارد؛ مهم‌ترین هدف این کتاب تربیت است و برای تحقق آن موضوعات تربیتی را در روش حکیمانه‌ای مربوط با این هدف، نازل فرموده است.

تربیت

تربیت را می‌توان از ریشه «رَبَّ» به معنی ایجاد تدریجی موجود تا رساندن او به حد نهایی کمال دانست. (ر.ک. به: راغب اصفهانی، مفردات، ۲۳۶). به دخترانی که با مادرشان در خانه شوهر جدید به امورشان رسیدگی و زندگی‌شان اصلاح می‌شود، «ربیه» می‌گویند. (ر.ک. به: طریحی، مجمع‌البحرین، ۲ / ۶۳) یا آن را از ریشه «ربو» به معنی زیاد شدن، رشد، علو و ارتفاع دانست. قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِی صَغِيرًا﴾ (اسراء / ۲۴) که به معنی بزرگ کردن است.

یکی از معاصران میان سه واژه «ربی» مهموز و «ربب» و «ربو» تفاوتی قائل است. به نظر وی «ربی» به معنای علو و بلندی، «ربب» به معنای کشاندن به سوی کمال و «ربو» به معنی پذیرش گستردگی و شکوفایی است که نتیجه‌اش زیادی و فضل باشد (ر.ک. به: حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن، ۴/۳۴).

هدف نزول قرآن

برای نزول قرآن اهداف جزئی، کلی، بخشی و جامع زیادی شمرده شده است. برخی از اهداف ابلاغی، آموزشی، تعلیمی قرآن یاد کرده‌اند؛ گروهی به رفع اختلاف میان مردم، یا اهل کتاب و صاحبان ادیان گذشته توجه نموده‌اند؛ گروهی رشد و شکوفایی عواطف انسانی را هدف نزول شمرده‌اند و برخی به تحوّل فردی یا اجتماعی توجه کرده‌اند. می‌توان گفت مهم‌ترین رسالت قرآن کشاندن انسان به کمال و تحصیل سعادت اوست؛ به گونه‌ای که در مرحله اول همه ظرفیت‌های انسانی در همه ابعاد فردی و اجتماعی، فطری و روحی و عقلی و معنوی شکوفا شود. سپس او را به سوی تحصیل سعادت یعنی لذت‌های خالص و ابدی سوق دهد:

﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ (ابراهیم / ۱)؛ «کتابی است که آن را به سوی تو فرو فرستادیم، به خاطر این که مردم را به رخصت پروردگارشان، از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آوری، به سوی راه (خدای) شکست‌ناپذیر [و] ستوده».

خارج کردن مردم از ظلمات به سوی نور همان سوق دادن آنان از ظلمات جهل، نادانی و نقص به سمت کمال و نور و پاکی، یک عمل تربیتی است.

این عمل حرکتی جامع و همه جانبه است که موجب می‌شود انسان از همه ابعاد پلیدی، پلشتی و تاریکی - چه در بُعد فکری و عقلی و چه جنبه‌های معنوی و روحی، چه در ساحت فردی و چه در ساحت اجتماعی - رها و به سوی کانون نور و پاکی وارد شود.

عبارت ﴿إِلَى صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ﴾ بدل از ﴿إِلَى النُّورِ﴾ (ر.ک. به: الجدول فی اعراب القرآن، ۱۳ / ۱۵۳) می‌باشد، یعنی انسان با یاری تربیت پیامبر اکرم و در سایه قرآن از تاریکی‌ها خارج می‌شود و پای در راه پروردگارش می‌گذارد؛ راهی که صاحبش پیروز و توانا بر رساندن انسان به کمال و سعادت مورد انتظار است و هم او پروردگاری ستوده است که همه کمال‌های شایسته ستایش را در اختیار دارد و به همین دلیل ستودنی است، بنابراین آیه، نقش اصلی در تربیت و رساندن به کمال و سعادت را راه پروردگار می‌داند و پیامبر و کتاب مقدمات ورود انسان به این راه را فراهم می‌سازند.

پس آنگاه که انسان از تاریکی‌ها و گمراهی‌ها به راه پروردگار وارد شد، پروردگار پیروز و ستوده او را به مطلوبش می‌رساند و با جاذبه‌های خود و ربایش‌هایی که از جان مؤمنان به پیامبر و قرآن می‌کند، آنان را از شقاوت ابدی و نعمت‌ها رها و به بهشت نعمت‌های ابدی وارد می‌سازد. در مقابل، کافران به پیامبر، قرآن و پروردگار گرفتار شقاوت ابدی می‌شوند.

﴿وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾ (ابراهیم/۲)؛ «وای بر کافران از عذابی شدید».

﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾. (بقره / ۲۷۵)؛ «خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ از تاریکی‌ها به نور بیرون‌شان

می‌برد. و کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرپرستانشان طغیانگرند؛ آنان را از نور به تاریکی‌ها بیرون می‌برند. آن‌ها اهل آتشند؛ آنان در آن ماندگارند».

نقش قرآن در تربیت

روشن شد که چهار مؤلفه (پروردگار، پیامبر، کتاب، انسان و دیگر موجودات مختار) در موضوع تربیت نقش دارند. انسان و دیگر موجودات مختار، با انتخاب ایمان یا کفر می‌توانند مانع تحقق خواست تشریحی پروردگار شوند. پروردگار پیروز و ستوده به انسان اختیار انتخاب راه داد و رسول و کتاب را برای دعوت و هدایت آزادانه و انتخاب گرانه او فرستاد.

پیامبر اکرم مردم را به هدایت دعوت کرد.

﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾ (یوسف: ۱۰۸)؛ «ای پیامبر) بگو: «این راه من است! که من و هر کس مرا پیروی می‌کند، با شناخت، (مردم را) به سوی خدا فرا می‌خوانیم».

کتاب دستورنامه دعوت و برنامه کشاندن مردم به نور و صراط مستقیم است.

﴿فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ * إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ * لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ﴾ (تکویر / ۲۸ - ۲۶)؛ «پس به کجا می‌روید؟! * آن (قرآن) جز یادآوری برای جهانیان نیست * برای کسی از شما که بخواهد به (راه) راست برود».

این کتاب آسمانی شامل همه محتوای مورد نیاز برای رسیدن انسان به کمال و سعادت است، به گونه‌ای که پروردگار در کنار تصریح به جامعیت قرآن (نحل / ۸۹)، بر حفظ آن از تحریف (حجر / ۹) تأکید و هر گونه احتمال دخالت پیامبر اکرم را با تهدید شدید مردود اعلام کرد.

﴿تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ * وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ * لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ * ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ * فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ﴾ (الحاقه / ۴۳ - ۴۷)؛ «[قرآن] فرو فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیان است * و اگر (بر فرض) برخی سخنان را به ما (به دروغ) نسبت می‌داد * حتماً با دست راست (قدرتمند) او را گرفتار می‌ساختیم * سپس رگ قلبش را مسلماً قطع می‌کردیم! * و هیچ یک از شما مانع آن (معجزات) نمی‌شد».

نکته بسیار با اهمیت این است که تحول دینی و اسلامی تنها در بستر بی‌آلایش محتوای دین و قرآن به بار نشست؛ بلکه خدای حکیم اراده فرمود این محتوای فخیم و ارزشمند با روش ویژه‌ای به مردم رسانده شود. به همین دلیل قرآن را به روش خاص نازل فرمود و پیامبر را به پیروی دقیق از این روش مأمور کرد.

﴿لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ * إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ * فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ * ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ (قیامت / ۱۶ - ۱۹)؛ «زبان‌ت را به آن (قرآن) حرکت مده تا در (خواندن) آن شتاب کنی * [چرا] که جمع کردن آن و خواندنش فقط برعهده ماست * و هنگامی که آن را می‌خوانیم، پس از خواندن آن پیروی کن * سپس در واقع بیان آن (قرآن) فقط برعهده ماست».

تربیت کم کردن فاصله بین توان بالقوه و بالفعل است، متربی (شخص تربیت پذیر) از مبدأ نقص به سوی منتهای کمال حرکت می‌کند. در نتیجه وقتی گفته می‌شود خدا تربیت می‌کند، منظور این است که خدا بستر لازم را برای رشد و شکوفایی انسان فراهم می‌کند و از جمله به زدودن آفت‌ها می‌پردازد.

عمل تربیت، دفعی و آنی نیست؛ بلکه نیازمند تدریج، تکرار و توزیع اقدامات در تمام دوران تربیت است. آیا می‌شود مواد لازم برای رشد جسمی یک گیاه از جمله آب، مواد کافی، نور را که در یک دوره ۳۰ - ۴۰ ساله به پای درخت ریخت در یک لحظه و یک مرحله به دانه خوراند و آیا از قضا سکنجبین صفرا را فزون نمی‌کند؟!

روشن است که هیچ کشاورزی با زراعت خود و هیچ مادری با نوزادش چنین برخورد نمی‌کند، لذا تربیت و شکوفایی همه‌جانبه و کمال‌بخش و سعادت آفرین در ذات خود اقتضای تدریج و توزیع منابع برای شکوفایی را دارد.

به همین دلیل خداوند در آیات سوره قیامت پیامبر را که مأمور تحول جامعه عرب معاصر خود - به عنوان جامعه مثال و نمونه قرار داده بود، مأمور می‌کند در ابلاغ محتوای دین، تابع دفعات نزول و نزول تدریجی آیات باشد و بر این روش حکیمانه سبقت نگیرد یا در آن عجله نکند.

شاهد این معنی سبک عجیب و ویژه قرآن در آموزش معارف است. اصول و فروع معارف سترگ قرآنی همچون توحید ذات، صفات، افعال، ربوبیت و الوهیت، عدل،

قدرت، علم، رحمت و دیگر صفات الهی نه به طور یک جا و نه به شکل تک موضوع در قرآن آمد؛ به مثل توحید ذات همراه با دیگر موضوعات مربوط به شناخت خداوند به طور یک جا در قرآن نیامد؛ همچنان که حتی بحث توحید ذات نیز تجمیع نیافته و متفرق است و در مناسبت‌ها و موقعیت‌های گوناگون و به تدریج بیان شد؛ به گونه‌ای که بیان دیدگاه قرآن در این موضوع و موضوعات مشابه نیازمند مطالعه تمام آیات مرتبط و تجمیع آنها دارد.

توجیه کننده این تنوع و توزیع همان «هدف تربیتی» است. به عبارت دیگر تربیت این تنوع و توزیع را اقتضاء می‌کند.

پیشنهاد «نمونه کشف روش‌های تربیتی قرآن»

جامعه معاصر پیامبر، گروه نمونه‌ای بود که مورد تربیت قرار گرفت، البته این گروه و سطح نیاز آن، تمام موجودی تربیتی قرآنی نبود، بلکه قرآن اصول جاودانه و ظرفیت تحول آفرین خود را از راه تربیت فاخر و عمیق جامعه اول بیان فرمود. همچنان که قواعد ریاضی از با بیان چند مثال در اختیار شاگرد قرار می‌گیرد و او با این قواعد علاوه بر حل آن چند مسئله، توان حل تمام مسائل مشابه را نیز می‌یابد.

سرّ وجود ظهر و بطن، محکم و متشابه و اصرار بر جری و تطبیق قرآن در کنار تفسیر آن، ریشه در چنین ظرفیتی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای خارج کردن چنین جامعه‌ای از تاریکی‌ها به نور و نیز دریافت و رساندن برنامه عظیم قرآن و سنت به همه انسان‌ها تربیت شد و جامعه معاصرش نیز برای رفع موانع و پذیرش برنامه‌های تربیت اسلامی آماده شد. این دو مورد به طور عمده با نزول قرآن تحقق یافت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از آمادگی و احراز صلاحیت‌های لازم برای بر دوش گرفتن اصل رسالت، به تناسب برنامه‌های جدید تبلیغی، و چالش‌ها و مصائبی که با آن روبه‌رو می‌شد، مشمول خطاب‌های الهی می‌شد.

﴿فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ * وَذُوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ﴾ (قلم / ۸ - ۹)؛ «پس از تکذیب کنندگان اطاعت مکن * (آنان) سستی کردن تو را و سستی کردن خود را آرزو می‌کنند».

﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْمَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِنَّا قَلِيلًا﴾ (مزمل / ۱ - ۲)؛ «ای جامه [به خود] پیچیده! * شب را، جزاندکی به پاخیز».

﴿وَأذْكَرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا﴾ (مزمل / ۸)؛ «و نام پروردگارت را یادکن، و کاملاً به او دل ببند».

﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ * قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ * وَتَيَّابِكَ فَطَهِّرْ * وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ * وَلَا تَمُنُّنَ تَسْتَكْثِرُ * وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ﴾ (مدثر / ۶ - ۱)؛ «ای جامه خواب به خود پیچیده! * برخیز و هشدار ده * و پروردگارت را بزرگ شمار * و لباست را پاک کن * و از پلیدی دوری کن * و منت مگذار درحالی که فزونی می‌طلبی».

﴿إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ﴾ (کوثر / ۳ - ۱)؛ «در حقیقت ما به تو (نیکی) فراوان عطا کردیم * پس برای پروردگارت نماز گزار و (شتر) قربانی کن * [چرا] که فقط (دشمن) کینه‌توز تو بریده نسل است!».

خداوند در کلامی جامع مراقبت مستمر از پیامبر در برابر چالش‌ها را چنین توضیح می‌دهد:

﴿وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾ (فرقان / ۳۳)؛ «و هیچ مثالی برای تو نمی‌آورند جز آنکه با (جواب) حق و بهترین تفسیر [به سوی] تو آییم».

همین موضوع در مورد جامعه معاصر نزول قرآن اتفاق افتاد. قرآن گام به گام آن‌ها را به پیش برد. برای مثال:

در یک مرحله رسول خود را مأمور آشنا ساختن مردم با پروردگار شایسته کرد.

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ﴾ (علق / ۳ - ۱)؛ «بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید * انسان را از (خون بسته) آویزان آفرید * بخوان در حالی که پروردگارت ارجمندتر است».

در نوبت دیگر وی را به ایجاد دغدغه در مردم و هشدار به آنان در کنار بیان کبریایی همان پروردگار مأمور کرد.

﴿قُمْ فَأَنْذِرْ * وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ﴾ (مدثر / ۲ - ۱)؛ «برخیز و هشدار ده * و پروردگارت را بزرگ شمار».

به همین ترتیب گام‌های اساسی بنای شخصیت فردی و اجتماعی آنان را بر مبنای

خواست الهی که در قرآن ظهور می‌یافت، بنا نمود.

این معاصران رویارو با عقائد باطل و خرافی، و رفتارهای جاهلانه در همه ابعاد بودند و قرآن به اصلاح آنها همت گماشت. یک جا عقائد باطل آنها در مورد خدا را نقد کرد.

﴿لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ * وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (اخلاص / ۴ - ۳)؛ « نه زاییده و نه

زاده شده است * و هیچ کس برای او هم‌تا نبوده است.»

﴿أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ * وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ * أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ * تِلْكَ إِذًا

قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ﴾ (نجم / ۱۹ - ۲۲)؛ « و آیا اطلاع یافتید از (بت‌های) لات و عزی * و

منات (بت) دیگری که سومین است * آیا فقط پسر برای شماست و فقط دختر برای

اوست؟! * در این صورت آن تقسیمی ناعادلانه است.»

﴿أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ * وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ * أَعْنَدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَىٰ * أَمْ لَمْ

يُنَبِّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ * وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ * أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ * وَأَنْ لَّيْسَ

لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ * وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ * ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ﴾ (نجم / ۴۱ -

۳۳)؛ « و آیا دیدی کسی را که روی برتافت؟! * و اندکی عطا کرد، و (بخشش را) قطع

کرد! * آیا دانش نهان فقط نزد اوست و او می‌بیند؟! * یا از آنچه در کتاب‌های موسی

است با خبر نشده است؟! * و (نیز از کتاب‌های) ابراهیمی که (به پیمانش) وفا کرد *

که هیچ باربرداری بار سنگین (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد * و اینکه برای انسان جز

کوشش او نیست * و اینکه کوشش او در آینده دیده می‌شود * سپس با جزای کامل‌تر

به او پاداش داده می‌شود.»

نمونه‌های فراوانی از برخورد با فرزند کشی، طواف عریان گرد کعبه، ورود به

خانه‌ها از پشت هنگام پوشیدن لباس احرام، ممنوع کردن زنان از ارث، طلاق با

روش‌های غلط نظیرظهار، در قرآن آمده که بر خوانندگان عزیز پوشیده نیست.

نزول تدریجی قرآن

قرآن به مناسبت تربیت و گذراندن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از چالش‌ها و بحران‌ها و به

دلیل زمینه‌سازی برای اصلاح و تربیت مردم، به تدریج نازل شد و در هر نوبت، آیاتی

برابر با نیاز پیامبر یا مخاطبان فرود آمد. قرآن به این حقیقت چنین اشاره می‌کند:

﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ﴾ (فرقان / ۳۲)؛ «و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: چرا قرآن جُمَلگی یک (باره) بر او فرو فرستاده نشده است؟! اینگونه [قرآن را به تدریج فرو فرستادیم] تا دل [سوزان] تو را بدان استوار گردانیم».

﴿وَقُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَلْنَاهُ تَنْزِيلًا﴾ (اسراء / ۱۰۶)؛ «و قرآن را (آیات)ش را از هم جدا کردیم، تا آن را با درنگ بر مردم بخوانی؛ و آن را [به تدریج] کاملاً فرو فرستادیم».

با عنایت به آیات بالا معلوم می‌شود نزول تدریجی آیات و قرائت همراه با درنگ، حکمت اصلاحی و تربیتی دارد که هم پیامبر را در مسیر دعوت، به ثبات قدم بیشتر می‌رساند و هم مردم را برای پذیرش برنامه اصلاحی و تربیتی آماده می‌سازد.

ضرورت مطالعه و بررسی قرآن به ترتیب نزول

بهترین روش کشف نظام تربیتی قرآن و بلکه اسلام، مطالعه درون قرآنی است. تربیت دینی فرد و جامعه در دستور کار قرآن قرار دارد و اگر امروزه علاقه‌ای به شناخت این روش تحول آفرین هست - که از نظر فردی سلمان، ابوذر، مقداد، عمار و نظایر آنها و از نظر اجتماعی جامعه‌ای را که موجب ابهت و تعجب زارعان و غیظ و خشم کافران «يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»، (فتح / ۲۹) است، تحویل داده - چاره‌ای جز مطالعه سیر نظام‌مند نزول آیات و سوره‌های قرآن نیست.

می‌دانیم که ترتیب چینش سوره‌ها در قرآن موجود موافق با ترتیب نزول آنها نیست، بنابراین برای کشف روش تربیتی قرآن نمی‌توان از ترتیب مصحفی بهره برد؛ بلکه باید چینش نزول طبیعی سوره‌ها و آیات را پیگیر شد. بنابر همین حقیقت باید سراغ جدول‌های روایی در ترتیب نزول سوره‌ها رفت و در صورتی که احیاناً میان این جدول‌ها اختلافاتی باشد، با مطالعه درونی سوره‌ها به حقیقت نزدیک شد.

تذکر دو نکته:

۱- در جدول‌های ترتیب نزول سوره‌ها نباید اساس را بر معادلات و چینش‌های تخمینی و مورد پسند خود بگذاریم. برای مثال طول آیات را دلیل بر سال نزول آیات

ندانیم، بلکه آنچه در این مرحله لازم است، کنکاش در نقل‌های تاریخی و روایی و بررسی صحت و سقم آن‌ها و کشف شواهد صدق بر بهترین آنهاست، زیرا چنین ویژه سوره‌ها راه کشف روش ویژه خداوند در انتقال مفاهیم به جامعه است و این مهم از نزول تدریجی سوره‌ها، به همان گونه که اتفاق افتاده، به دست می‌آید. جدول‌های ترتیب نزولی که حاصل گمانه‌زنی‌های اجتهادی محقق باشد، اعتبار دست‌آوردهای محقق در کشف و استخراج روش را مورد تردید جدی قرار می‌دهد.

۲- نکته دیگر آن که کار محقق با کشف و استخراج روش‌های تحول دینی در قرآن به پایان نمی‌رسد. گفتم تحول دینی - تربیتی مؤلفه‌هایی دارد که دست کم دو مورد آن - وضع جامعه مورد تحول و صلاحیت‌های مریبان - در همه شرایط یکسان نیست.

کار مهمی که پس از استخراج و کشف روش خاص تحول آفرین قرآن در جامعه عربی معاصر نزول لازم است، تطبیق این روش بر شرایط جوامع امروزی است. همان گونه که تطبیق و جری محتوای آیات بر افراد و جوامع امروز نیازمند دو دانش است؛ آشنایی کافی و کامل از محتوای قرآن و شناخت دقیق و همه جانبه افراد و جوامع امروز. در پرتو چنین دانش‌هایی، اطمینان از جری و تطبیق محتوا حاصل می‌شود. در مورد تطبیق و جری روش‌های تحول نیز مطلب از همین قرار است و محققان باید با مطالعه دقیق روش تحولی که در صدر اسلام اتفاق افتاد و سپس آگاهی کامل از وضعیت دینی جامعه‌ای که موضوع تربیت قرار می‌دهند، به تطبیق و جری روش قرآنی برای ایجاد تحول اقدام کنند.